

موضوع اسناد جناب آقای زاهدی

جاوید ایران - ایران یارگرمی

خواندم که اظهارامیدواری شده، اسناد محرمانه ای که از سوی جناب زاهدی به دانشگاه داده شده برگشت داده شود، آنطور که از سیاق عبارت آقای دکتر میلانی برمیآید، اسناد مزبور هدیه شده است؛ هدیه برگشت پذیر نیست مگر اینکه ثابت شود که مال مورد هدیه متعلق به هدیه کننده نبوده است.

بنظر میرسد که از منظر حقوقی اسناد مزبور بصورت عقد هبه در اختیار دانشگاه قرار گرفته است زیرا با مکاتباتی همراه بوده است که ایجاب و قبول عقد هبه را بتصویر میآورد.

باز بنظر میرسد که جریان مکاتبه دانشگاه و جناب زاهدی و همچنین مدت و شخصیت اهدا کننده که فارغ از کره تلقی میشود، بنابراین انتظار برگشت اسناد مزبور را انتظار ناموجهی میسازد.

مهم این است که سندی که بین جناب زاهدی و دانشگاه تنظیم و امضا شده واجد چه ماهیت حقوقی است.

اگر غرض از واگذاری به دانشگاه استفاده عموم باشد این عمل نیاز به متولی و یا هیئت و یا شخص ناظر به غیر از دانشگاه دارد، و اگر کسی معرفی نشده باشد حق عمومی است که با نظارت دادستان وارد عمل بشود.

ولی اگر متن سند حکایت از هدیه باشد دانشگاه آزاد خواهد بود به ترتیب که مایل است از آن استفاده کند؛ از فحوای اظهارات آقای میلانی اینطور دستگیرم شده که ماهیت حقوقی سند مزبور باید نزدیک به هبه و یا هدیه بقول آقای میلانی باشد.

نظر میرسد:

✳️ غرض از اجرای برنامه تحویل اسناد به دانشگاه، خارج ساختن آن اسناد از ید جناب زاهدی و احتمالاً پس از درگذشت ایشان بوده است نه استفاده دانشگاه.

✳️ واسطه قرار دادن دانشگاه یک فیلتر ظاهر صلاح است. در اسناد سفارت آمریکا اشاره ای هست که هنگامیکه شاهنشاه ایران خواستند کتاب انقلاب سفید (یادم نیست آن کتاب و یا کتاب دیگری) را تدوین کنند، سفارت آمریکا در تهران تلاش کرد و توانست از متن کتاب، قبل از انتشار بوسیله شریف امامی بصورت پنهانی آگاهی یابد.

آمریکاییها به موضوع انتشارات سیاسی بسیار اهمیت میدهند. نباید تصور کرد که مسئله واگذاری اسناد به دانشگاه یک کار عادی و یا زیرکی میلانی بوده است؛ ممکن است کسان دیگری که نامی از آنها نیست هم در این ماجرا بوده اند ولی میلانی از نظر روحی که خیلی مستعد خود نمائی است معرکه گردان شده است. این یک حرکت ساده و کوچکی نبوده است، برای آمریکا که مترصد ایجاد حیثیت سیاسی از دست رفته است، این اسناد بسیار، بسیار با اهمیت است. اشاره آقای میلانی به بسیار، بسیار با اهمیت و مهم بودن، برای ما ایرانیان نیست برای آمریکاییها است.

✳️ چیزی که بنده باورم نمیشود تعداد ۹۴ صندوق است؛ میلانی کسی نیست که فرق بین جعبه و صندوق را نداند؛ نگهداری ۹۴ صندوق، ظرف ۳۵ سال آنطور که هیچکس از آن آگاه

نشود چندان قابل قبول نیست و اساساً مگر چقدر مکاتبه بین شاه و زاهدی و برعکس بوده که نیاز به ۹۴ صندوق داشته است و آنهم اسنادی که با دست تنظیم شده باشد؟ چگونه ممکن است باور کرد که آقای زاهدی بتواند بعد از استیلاي شورشیان این تعداد صندوق را از ایران خارج کند و از آن مهمتر در طول مصاحبه هائی که داشته اند به این موضوع اشاره ای نکنند. بنده نامه ای در این خصوص خدمتشان فرستاده ام که اگر جوابی آمد مسلماً روی آن کار بیشتری خواهد شد.

معمولاً این چنین واگذاری ها که بصورت غیرمعمول هم انجام میگردد با صورت مجلسی که حاوی شهادت چند نفر است و آن صورت مجلس مشخصات کاملی از مورد هبه را ضبط دارد؛ ولی آقای میلانی هیچ اشاره ای به چنین صورت مجلسی نکرده است. این موضوع بسیار با اهمیت است از کجا که تمام آن اسناد تحویل دانشگاه شده باشد و از کجا که امانت داری کامل رعایت گردیده. اسنادی که آقای میلانی از آن بسیار، بسیار مهم و محرمانه و دستخط شاه یاد کرده صرفنظر از محتوای آنها به اعتبار ارزش تاریخی و اینکه خط شاهنشاه ایران است و اجد ارزش می باشد و چیزی که ارزش دارد؛ هیچگاه یکنفره نقل و انتقال اسنادی داده نمیشود؛ و اساساً شخصی که سوء نیت ندارند بدون صورت مجلس کامل و جامع که خصوصیات صندوقها نوشته شود و یک نسخه از آن صورت مجلس را داشته باشند مبادرت به آن عمل نمیکند.

میتوان تصور کرد، محظوراتی که ما نمیدانیم حد و حدود آن چه بوده و هست عاملی بوده که جناب زاهدی ناچار گردیده در مسیر انتقال اسناد همکاری کند و شاید هم این تصور درست نباشد و ایشان بهترین راه برای حفظ آن اسناد دانشگاه را دانسته اند

با احترام امیرفیض